

رشاد خليفه

رسولي نو يا حيله گري بزرگ ؟

نويسنده : عبدالله غريبه

۱۳۸۳/۱۲/۱۵ :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بخش ۱ - سابقه آشنائی با نام رشاد خلیفه :

دقیقا بخاطر ندارم که چه زمانی بود شاید در حدود ۲۰ سال پیش بود که یکی از دوستانم چند برگ مطلب در مورد معجزه عدد ۱۹ در قرآن به نقل از کسی به نام رشاد خلیفه آورد و به من نشان داد و خواست در مورد آن نظر دهم. من تا آن زمان نام او را نشنیده بودم

خلاصه موضوع این اوراق از این قرار بود: که آیات و سوره‌های قرآنی به طرز غیرعادی و عجیبی که نویسنده بیان داشته بود مضرّی از عدد ۱۹ می باشند. در نگاه اول به او گفتم اینها دلیلی برای حقانیت قرآن نیست بلکه این قبیل مطالب دست شیطنت کاران است که قصد دارند به روش همیشگی خود، اذهان را از توجه به استدلالات قرآنی دور دارند. معذک به او قول دادم که از طریق کامپیوتر دانشگاه آنرا بررسی کنم. باری شرایط فراهم شد و شروع کردم به امتحان آنچه گفته شده بود.

براستی موجب تعجب من شد، و بهت زده شدم. می دانید چرا؟ از اینکه چطور بعضی از مردم حتی در میان دانشگاهیان چنین چیزهایی را دست به دست می دهند، بدون آنکه آنرا امتحان کنند. بله اولین موردی که امتحان کردم دیدم عدد اعلام شده با واقعیت آن جور نیست. الآن بخاطر ندارم که کدامین کلمه قرآن بود؟ فکر می کنم در آن اوراق اعلام شده بود که نام "الله" در قرآن به این تعداد شمارش وجود دارد که مضرّی از عدد ۱۹ است. اما تعداد واقعی آن با عددی که در آن اوراق یاد شده بود متفاوت بود. پیش خود گفتم شاید اشتباهی شده است. از اینرو نمونه‌های ساده‌تر را امتحان کردم، دومین و سومین، فکر می کنید چه دیدم، بعد از دیدن نتیجه، گفتم: چقدر مسخره! ! اینها که اکثرش غلط است. بعد بنظرم آمد که شاید برنامه ایرادی دارد. بعضی از نمونه‌های ساده را که می شد با دست شمارش کرد، امتحان کردم و مطمئن شدم که اشتباه نمی کنم و حقیقت این است که دستهایی در کار است که قرآن را به مسخره گیرد و ثابت نماید که طرفداران این کتاب اکثرا جاهلانی هستند که هر دروغ ساختگی را برای بزرگداشت کتابشان منتشر می کنند.

باري نتیجه کار را به دوستم اعلام نمودم و موجب تعجب او هم شد. بخاطر دارم که به او اعتراض کردم چرا بدون امتحان مواردی ساده که در آن اوراق یاد شده، آنرا به چند نفر داده است. او که از دانایانی بود که به توحید قرآنی اعتقادی عمیق داشت، از شتابش در دادن این اوراق به دیگران تا حدودی دل‌چرکین شد.

باري زمان در حدود ۱۰ سال گذشت و این واقعه از یادم رفته بود که دوست دیگری در آن زمان با در دست داشتن ترجمه‌ای از قرآن به نزد آمد و گفت: کسی به نام **رشاد خلیفه** قرآن را با کامپیوتر بررسی اعدادی کرده است و ارتباطی میان آیات پیدا نموده است که طرفدارانی پیدا نموده است. من که کامل این نام را از یاد برده بودم با تمامی تذکر دوستم باز هم متوجه نشدم این همان شخصی است که مقاله‌ای از او را حدود ۱۰ سال پیش بررسی کردم. به او گفتم: می‌شود ترجمه‌اش را ببینم؟ قرآن را به دستم داد و به یاد دارم به خواست خداوند در دومین جستجوی خود از آن ترجمه، سوره "یس" را باز کردم و در آیه سوم آن فکر می‌کنید چه دیدم؟

یس: إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

ترجمه: تو (رشاد) از رسولانی (۳)

به دوستم گفتم: اینجا را ببین. این شخص که مدعی رسالت است. دوستم در حالی که با تعجب نگاه می‌کرد خنده‌ای کرد و گفت: پس باید طرفدارانش خیلی نادان باشند که جمله مخاطب در ۱۴۰۰ سال پیش را به **رشاد خلیفه** در عصر حاضر گرفته‌اند!! بعد ادامه داد که خودش هم این کتاب را از یکی دوستانش بتازگی گرفته است و خبری از محتوایش نداشت. سپس گفت: این همان کسی است که به نوعی آیات قرآنی را به عدد ۱۹ مربوط دانسته است.

به محض گفتن این جمله تمامی مطالب ۱۰ سال پیش در ذهنم زنده شد و یاد آمد که علت آشنائی این اسم در ذهنم چیست. بعد به او داستان بررسی ۱۰ سال پیش را تعریف کردم. از او خواستم که اجازه دهد قرآن را بیشتر ببینم. جالب است بدانید که بعد از بررسی آن ترجمه قرآن، متوجه شدم آیه سوم سوره "یس" تنها آیه‌ای در قرآن نبود که **رشاد خلیفه** آنرا به خود منسوب کرده بود بلکه کثیری از آیات را منسوب به خود می‌دانست که شرح آن خواهد گذشت.

بهر حال امروز از واقعه آخر نیز مدتها گذشته است و باورم نمی شد که چنین موجودی طرفدارانی بویژه در ایران داشته باشد. باری با برخورد به سایتی ایرانی، خلاف فکرم به اثبات رسید. بعد نیز متوجه شدم این گروه دارای سایتهای متعددی به زبانهای مختلفی می باشند.

از اینرو تصمیم گرفتم بار دیگر کار قدیم را تکرار کنم و باطن این مدعی دروغ را به همگان نشان دهم. البته قصدم این نیست آنانی را که به او ایمان دارند را از ایمانشان بازگردانم چرا که چنین کاری میسر نیست. وقتی کسانی حتی بدون یک بررسی ساده، چنانچه خواهیم دید، تسلیم دروغهای چنین **شیادی** می شوند، نه اهل مطالعه و بررسی، و نه اهل تفکرند. طرف خطاب من آن دسته از مسلمانان ساده دلی است که بعضا مشاهده کرده ام شیفته کارهای بی ربط چنین کسانی بدون بررسی می شوند و حتی بعضی از مفسرین به دروغهای او بدون مطالعه مرجع داده اند، به خیال اینکه آنها دلیل بزرگیهای قرآن دانسته اند.

چگونگی بررسی کار: حقیقت این است که هر شخص و طرز فکر را می توان از آثارش بازشناخت. درخت نیکو ثمره نیکو و درخت بد ثمره بد می دهد¹. از اینرو بهترین راه بررسی، نگاهی به آثار برجای مانده از **رشاد خلیفه** است. در حال حاضر نه من اوراق منتشره قدیم **رشاد خلیفه** و نه ترجمه قرآنش را در دست دارم و نه از کارهای قدیم در این خصوص چیزی را حفظ کرده ام. اما جای نگرانی نیست چرا که هم ترجمه قرآنش به زبانهای انگلیسی و فارسی و هم معجزه عددی قرآنش در سایتهای زیر موجود است. بویژه اینکه امروزه با در دست داشتن کامپیوترهای pc و Software های قرآنی شما نیز بر راحتی می توانید نادرستی کارهای وی را مورد آزمایش قرار دهید.

ترجمه قرآن رشاد خلیفه به زبان انگلیسی: <http://www.submission.org/Q-T.html>

ترجمه قرآن رشاد خلیفه به زبان فارسی: http://www.rashadkhalifa.org/farsi/quran/f_index.html

معجزه عددی رشاد خلیفه: <http://www.submission.org/efarsi/quran/apx01.html>

¹ سوره ابراهیم: ۲۴-۲۶

بخش ۲- ادعای رسالت رشاد خلیفه با انتساب آیاتی از قرآن به خود

رشاد خلیفه در ترجمه قرآنش در چندین جا ادعای رسالت کرده است و آیاتی از قرآن را که در ۱۴۰۰ سال پیش نازل شده است و بخوبی از قبل و بعد آیه مشخص است که طرف خطاب پیامبر اسلام است به خود منسوب کرده است. با اینکه لفظ بسیاری از این آیات، مخاطب است و افعالی که مرتبط به موضوع است به لفظ ماضی است که از واقعه‌ای پیش از زمان نزول سوره مربوطه حکایت دارد و از طرفی قبل و بعد آیات پر از ضمایری است که به پیامبر اسلام و قرآن بر می‌گردد با اینحال از چنین عملی ابا نکرده است. حقیقت موضوع همانطور که در ترجمه‌ها خواهیم دید بسیار ساده و روشن است، منتهی ستمگران بر این امر واقف‌اند: که وجود دارند همواره خیل عظیم نفراتی که بر اعتقادات سطحی تکیه دارند و بطور آماري فریفتگانی از میان آنان که نه اهل تحقیق و تفحص‌اند بلکه به هر ادعائی مسخ خواهند شد، پیدا شوند.

در ادامه به چند نکته باید دقت شود: آیاتی که **رشاد خلیفه** در آن مدعی رسالت است در ذیل خواهد آمد. ترجمه‌ای که به رنگ **violet** (بنفش) که به تلفظ دیگری Violate (تخطی و تجاوز) است، ترجمه **رشاد خلیفه** است و عیناً از وب سایت http://www.rashadkhalifa.org/farsi/quran/f_index.html انتقال داده شده است. ضمایر یا افعالی که طرف خطاب آن **پیامبر اسلام** یا **قرآن** است به رنگ **سبز** در آمده است این عمل موجب دقت بیشتر خواننده می‌شود. خود ترجمه‌ها برای آشکار سازی حيله گري مدعی، گویاست. منتهی در پائین ترجمه‌ها، بعضی توضیحات مختصر نیز خواهد آمد.

تکویر:

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ { ۱۵ } الْحَوَارِ الْكُنُوسِ { ۱۶ } وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ { ۱۷ } وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ { ۱۸ } إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ { ۱۹ } ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ { ۲۰ } مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ { ۲۱ } وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ { ۲۲ } وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ { ۲۳ } وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ { ۲۴ } وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ { ۲۵ }

قسم یاد کنم به آن (ستارگان) بازگردنده (۱۵) سیار و پنهان شونده (۱۶) و به شب که بگذرد (۱۷) و به صبح که بدمد (۱۸) بدرستی که آن سخن رسولی کریم است (۱۹) در نزد صاحب عرش (الله) قدرت و منزلتی دارد (۲۰) (امرش) اطاعت شود و آنجا امین (وحي) است (۲۱) **دوست شما (رشاد) دیوانه نیست**. (۲۲) و او (جبرئیل) را در آن افق روشن دید. (۲۴) و او بر (تشریح) آن نادیدنی بخیل نیست (۲۴) و آن سخن شیطان رانده شده نیست (۲۵)

سوره تکویر هفتمین سوره‌ای است که بعد از بعثت، بر پیامبر اسلام نازل شده است. در متن حاضر، خداوند از صحت نقل اولین رؤیت **پیامبر اسلام** با منبع وحی جبرئیل خبر می‌دهد که آنرا برای مردم بعد از اولین تجربه وحی تعریف کرده است. با توجه به متن سوره قلم، سومین سوره نازل شده بر **پیامبر اسلام**، معلوم می‌گردد که همان بزرگان مکه که سعی در توافق زیرکانه با او داشتند او را به دیوانه‌ای دچار خیالات شیطانی منتسب می‌کنند. در این سوره بعد از به شهادت گرفتن بعضی شواهد طبیعی آسمانی قابل مشاهده، یادآوری شده است

که این مطالب (قرآن) دروغی از **محمد** نیست بلکه فرستاده امین الله، یعنی جبرئیل آنرا بدو ارسال داشته است و رفیق شما **محمد** دیوانه نیست و در نقل اولین دیدار وحی به شما، صادق بوده است و حقیقتاً جبرئیل را برای اولین بار در بالاترین افق روشن مکه دیده است، و بی کم و کاست آنچه را دیده و شنیده است بیان داشته است و آن گفتار شیطانی نیست.

حال ببینید که **رشاد خلیفه** به هنگام ترجمه، آیه ۲۲ را بدون در نظر گرفتن پس و پیش آیه و بدون توجه به ارتباط مطالب این سوره با سوره‌های گذشته، به خود منتسب کرده است. طبق نظر او در دوران آغازین بعثت پیامبر اسلام، وحی نازل شده است که: ای مردم مکه دوست شما **رشاد خلیفه** که فعلاً او را نمی شناسید با اینحال بدو همت دیوانگی زده‌اید، دیوانه نیست. بلکه او که خواهد آمد جبرئیل را دیده است. و آنچه را که به شما هنوز بیان ننموده و در ۱۴۰۰ سال بعد بیان خواهد نمود، صادق است. شاید هم منظور از فعل ماضي در آیه ۲۳ مستقبل است که مدعیان رسالت آنرا بهتر درک بتوانند نمود؟ شاید هم طرف خطاب آیه، مردم زمان **رشاد خلیفه** هستند؟ که در آنصورت دلیل خطاب لفظ ماضي در آیه ۲۳ را در ۱۴۰۰ پیش فهمیده نمی شود!!

سبأ:

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ { ۲۴ } قُلْ لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَحْرَمْنَا وَلَا تُنْسَأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ { ۲۵ } قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ { ۲۶ } قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ { ۲۷ } وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ { ۲۸ } وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ { ۲۹ } قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ { ۳۰ } وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ { ۳۱ }

بگو: چه کسی از آسمان ها و زمین شما را روزی دهد؟ **بگو:** الله. ما و یا شما بر هدایت یا ضلالتیم؟ (۲۴) **بگو:** شما از گناهان ما پرسیده نشوید و . . . (۲۵) **بگو:** پروردگاران ما به حق حکم کند و . . . (۲۶) **بگو:** نشانم دهید شریکانی که بدو الحاق می کنید و . . . (۲۷) **ای رشاد!** ما تو را بر همه مردم فرستاده‌ام، بشیر و نذیر، ولیکن اکثر مردم نمی دانند (۲۸) و گویند: اگر راست گوئید این وعده (عذاب) چه وقت است؟ (۲۹) **بگو:** برای شما وعده روزی است که . . . (۳۰) کافران گفتند: هرگز به این قرآن ایمان نیاوریم . . . (۳۱)

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ { ۴۴ } وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعَشَارًا مَّا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ { ۴۵ } قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَّا بَصَاحِحِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ { ۴۶ } قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ { ۴۷ } قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمَ الْغُيُوبِ { ۴۸ } قُلْ جَاءَ الْحَقُّ

وَمَا يُدْرِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ { ٤٩ } قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ { ٥٠ } وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فِرْعَوْنُ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ { ٥١ }

پیش از تو به ایشان کتابی که مطالعه کنند ندادیم و بیم دهنده‌ای بسویشان نفرستادیم (٤٤) پیشینیانشان نیز تکذیب کردند. . . (٤٥) **بگو: پندتان دهم** که برای الله دوتائی یا تکی پیا خواسته، آنگاه بیانیدشید که **دوست شما (رشاد) دیوانه نیست**. او برای شما بیم دهنده‌ای است، پیش رویش عذابی سخت است (٤٦) **بگو:** هر مزدی از شما خواستم از آن شما باشد اجر من . . . (٤٧) **بگو: پروردگارم** بحق فرو فرستد، آن دانای پنهان (٤٨) **بگو:** حق آمد و باطل بی سرو ته سخن گوید (٤٩) **بگو:** اگر **گمراه شوم** بر ضرر خویش گمراه شدم و اگر **هدایت شوم** بسبب وحی پروردگارم است . . . (٥٠) **اگر می دیدی** زمانیکه . . . (٥١)

در این قطعه بطور خلاصه هدایتهای قرآنی مورد بحث است که: آیات ٢٥-٣١: چگونه قرآن از شرك باز می دارد و بسوی یکتا پادشاه روزی دهنده مورد قبول همگان دعوت می نماید و یادآور روز داوری در میان ملل است و از اینرویی نه يك انذار و بشارت محلی بلکه جهانی است که مراسلاتی از پادشاه آسمانها و زمین بسویله رسولش بر عموم مردم است. ستمکاران به خاطر تضاد منافعشان با تعلیمات هدایتی حاضر به تصدیقش (قرآن) نیستند و به جدل طالب تعجیل بر عذابند.

آیه ٤٤: البته بر مردم مکه تا حجت کامل نشود عذاب بر آنان شایسته نگردد مردمی که کتاب و رسولي نداشتند آیه ٤٥: مردمی که یکدهم توانمندی پیشینیان خود را که عذاب شدند ندارند. آیه ٤٦: از اینرویی خواسته شده است که پیش از وقوع عذاب، انفرادی یا دو نفره به تفکر در مورد رفیق خود محمد قیام کنند تا شاید بفهمند دوستشان دیوانه نیست که آیه ٤٧: مشقتی را بدون مزدی بر خود می خرد و اینکه آیه ٤٨: در قرآن از پنهان آسمانها و زمین سخن گفته شده است که کسی جز علام الغیوب از آن آگاهی ندارد و آیه ٤٩: به منطوق، حقیقت موعود بشری را بیان نماید که باطل گویان را نشاید. آیه ٥٠: و ادعائی بی پشتوانه الله، برای محمد جز مذلت دنیا و آخرت در پی نخواهد داشت. پس اگر سخنان عالی و ارجمند است، حکایت از هدایتی به وحی است که با شخصیت و گفتار گذشته محمد کاملاً متفاوت است، و آیه ٥١: قطعاً به همراه چنین رسولي عذابی بر مخالفینش خواهد بود.

اما **رشاد خلیفه** در این متن، خطاب آیات ٢٨ و ٤٦ را به خود منسوب کرده است. سواي آنچه از مفهوم متن هویداست، نادانی محض است که چنین متنی برای حیلہ گری انتخاب شود، که ١٥ بار **پیامبر اسلام** درحین وحی به ضمیر مخاطب یا به امر، خطاب شده و چندین بار به ضمیر و مضارع متکلم از او نقل سخن شده، و بارها با قومش به ضمیر مخاطب سخن رفته است. مدعی آنقدر به خود زحمت نداده که حداقل آياتی را انتخاب کند تا در پس و پیش آن ضمایر کثیری مورد اشاره به **پیامبر اسلام** نداشته باشد. این نشانه جهالت مدعی نسبت به درک و فهم آیات است.

براسی آیا تابعینش فکر نکرده اند که چگونه در ١٤٠٠ سال پیش به قوم پیامبر اسلام خطاب می شود که دوست شما **رشاد خلیفه** که هنوز زاده نشده است دیوانه نیست؟ یا اینکه گمان می کنند خطاب ١٤٠٠ سال

پیش به اقوام معاصر است؟ که در آنصورت فکر نکرده‌اند که تمامی اقوام معاصر کتابهای متعددی چون قرآن و انجیل و تورات و غیره در اختیار دارند که با آیه ۴۴ سازگاری ندارد؟! !

شوری:

ذَلِكَ الَّذِي يُبَيِّنُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ { ۲۳ } أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأْ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ { ۲۴ }

بدین (قرآن) است که الله بندگان را که ایمان آورده و به آن نیکبها عمل نمودند بشارت می دهد. **بگو:** مزدی از شما بر آن نمی خواهم مگر مودتی را در قربت (به خدا، که میان مؤمنین حاصل شود) خواهم. . . (۲۳) **آیا می گویند، او (رشاد) درباره خدا دروغ جعل کرده است!** اگر الله بخواهد بر **قلب تو** مهر می نهد، الله باطل را محو می کند و حق را با کلماتش ثابت می گرداند. او بدون سینه‌ها کاملاً داناست (۲۴)

این سوره شصت و چهارمین سوره قرآن است که در حدود سال هفتم بعثت نازل شده است. آیه آغازین این سوره با ”ضمیر اشاره به دور“ یعنی ”کذلك“ آغاز می شود که اشاره‌ای است به آنچه تا زمان نزول سوره شوری بر پیامبر اسلام وحی شده است.^۳ علاوه بر آیه آغازین یعنی آیه ۳ سوره شوری، در آیات ۷ و ۱۵ و ۲۳ مجدداً ضمیر اشاره ”ذلك“ آغازگر جمله است که به تمامی آنچه تا حال بر محمد وحی شده، اشاره دارد.^۴ بنابراین در آیه ۲۳ همین قطعه اعلام شده است:

”به آنچه تا حال بر تو از قرآن وحی شده است الله به بندگان بشارت می دهد و **بگو** بر بیان مطالب وحی قرآنی بر شما مزدی **فمی خواهم** . . . و ذکر دلیل شده است: که آیا مگر ممکن است مطالب وحی قرآنی را دروغی بر خدا بسته باشد که در آنصورت خداوندی که از درون سینه‌ها آگاه است، در این راستا به پیامبرش می گوید: اگر می خواستیم چنان توان فکری تو را مخنوم می کردم که از ارائه سخن حق باز بمانی و قادر به چنین کاری نباشی و مطالب را از پی ارائه نابود می نمودیم نه اینکه آنرا تثبیت و محافظت نمائیم“ بقدری ضمیر اشاره به دور و ضمائر و افعال مخاطب آیه واضح است که جز بی اعتقادان بیمار دل بر چنین کاری مبادرت نکنند. مگر معتقد باشیم که قرآن نه بر **محمد** بلکه به خود **رشاد خلیفه** نازل شده است.

^۲ به سوره فرقان : ۵۷ که در این متن ترجمه شده است
مراجعه شود.

^۳ كذلك يوحى اليك و إلى الذين من قبلك . . .

^۴ آیه ۳ : كذلك يوحى اليك و إلى الذين من قبلك . . .
آیه ۷ : و كذلك اوحينا اليك قرآنان عربيا لتنذر

ام القري و من حولها . . .

آیه ۱۵ : فلذلك فادع و استقم كما امرت . . .

آیه ۲۳ : ذلك الذي يبشر الله عباده . . .

یس:

وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمِ { ۲ } إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ { ۳ } عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ { ۴ } تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ { ۵ } لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ { ۶ }

قسم به قرآن حکیم (۲) مطمئناً، تو (رشاد) یکی از رسولان هستی (۳) بر راهی مستقیم (۴) نازل شده آن پر قدرت رحیم (۵) تا قومی که پدرانشان انذار نشده‌اند و غافلند بیم دهی (۶)

قسمهای قرآن: در قرآن به نشانه‌های مختلفی بجهت صحت موضوعی، قسم یاد شده است. بر خلاف تصور عامه مردم و اشتباه اکثر مفسرین قرآن، به آن نشانه‌ها بخاطر تقدس خاصی قسم یاد نشده است. کما اینکه در سوره عادیات: ۱-۵ به ”زدان و اسبانشان“ و در قیامت: ۲ به ”نفس ملامت کننده“ قسم یاد شده است، که نه تنها تقدس ندارند بلکه مذموم‌اند.

در سوره‌های واقعه: ۷۵-۷۷ و فجر: ۱-۵ از طرف گوینده به مواردی قسم یاد شده است و دانش و خردمندی شنونده شرطی برای فهم آنها بجهت اثبات موضوع قسم یاد شده است. این نشان می‌دهد که قسمها، منطقی برای اثبات موضوع‌اند بعبارتی نوعی شاهد و گواه از طرف گوینده برای اثبات موضوعی در نزد شنونده می‌باشند. به همین دلیل زردان و اعمال زشتشان که به زشتی عمل خود واقف‌اند می‌تواند شاهد خوبی برای ناسپاسی انسانها نسبت به پروردگارشان باشد.^۵ یا تاریخ بشر بویژه تاریخ دوران پیامبران شاهد خوبی باشد که اکثر انسانها در خسراوند.^۶

بعد از این مقدمه، در این آیات یاد شده است که مطالب تا حال نازل شده قرآن، که به حکمت و منطق بیان شده است شاهدهی است که تو: محمد، رسولی از طرف آن پادشاه قدرتمند برای ابلاغ و انذار قومی هستی که پدرانشان تا حال (به کتابی) انذار نشده‌اند و در غفلتند.

چنانچه ملاحظه می‌شود **رشاد خلیفه** آیه ۳ را منتسب به خود کرده است. آیا تابعینش آنقدر دانا نبودند که بدانند قومی که پدرانشان تا حال به کتابی انذار نشده‌اند نمی‌تواند هیچیک از اقوام عصر حاضر باشد که قرآن و انجیل و تورات و اوستا و . . . بر آنان نازل شده است؟ براسی انسان تا این حد از لحاظ تعقل نزول می‌کند یا اینکه قصد از تمامی این بی‌خردی روا داشتن ستمی به هموعان است؟

^۵ سوره عادیات: ۱-۸

^۶ سوره العصر

رعد:

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ { ٣٠ } وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَل لَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ { ٣١ }

(ای رشاد) ما تو را برای این جامعه فرستاده‌ام (ترجمه صحیح: بمانند آن (هادیان) تو را در امتی فرستادم)

که پیش از آنان امتهائی بگذشتند. آنچه را بر تو وحی می‌کنیم بر ایشان بخوان (ترجمه صحیح: تا آنچه را به تو وحی کردیم بر ایشان تلاوت کنی) درحالیکه به آن رحمان کافرند. بگو: او پروردگار من است که جز او هیچ خدائی نیست. بر او توکل کردم و بازگشت من بسوی اوست (٣٠) و اگر قرآنی بود که بوسیله آن کوه‌ها روان می‌شد یا زمین تکه تکه می‌گشت یا مردگان مورد خطاب واقع می‌شدند (باز هم ایمان نمی‌آوردند⁷). بلکه تمامی کارها در اختیار الله است. . . . (٣١)

وَالَّذِينَ آمَنَّا هُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٍ { ٣٦ } وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا وَعَرَبِيًّا وَلَنْ أُتْبِعَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا وَاقٍ { ٣٧ } وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٍ { ٣٨ } يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ { ٣٩ } وَإِنْ مَا تُرِيدُكَ بَعْضُ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ تَنوُفِينَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ { ٤٠ } أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ { ٤١ } وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَلَّهُ الْمَكْرَ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ { ٤٢ } وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ { ٤٣ }

آنانکه ایشان را کتاب (آسمانی) داده‌ام به آنچه بر تو نازل شده شادمانی می‌کنند و بعضی از آن دسته‌ها بخشی از آنرا منکرند. بگو: تنها الله را بندگی کنم و بدو شریک قرار ندهم و بسوی او می‌خوانم و بازگشتم بسوی اوست (٣٦) بدان طریق (که تا حال وحی شده است) آنرا به حکمی عربی نازل کردیم و اگر از هوسهای ایشان بعد آن دانش که تو را آمد تبعیت کنی در مقابل الله نه یابوری و نه حافظی برایت خواهد بود (٣٧) ما قبل از تو (ای رشاد) رسولانی فرستاده‌ام و برای ایشان همسران و فرزندان قرار دادیم و شایسته رسولی نیست که جز به اجازه الله آیتی (خارق عادت) آرد. برای هر مهلتی حکمی است (٣٨) . . . اگر به تو بعضی آنچه، ایشان را وعده دهیم بنمایانیم یا بمیرانیم (پس آن بعضی را هم نبینی) ابلاغ، وظیفه تو و آن حسابگری، بر

⁷ به انعام: ٧ و ١١١ و حجر: ١٤-١٥ دقت شود.

ماست (۴۰) . . . کافران گویند: **فرستاده‌ای نیستی . بگو:** گواهی الله میان من و شما کافی است و آنکه دانش آن کتاب^۸ در نزد اوست (۴۴)

رشاد خلیفه آیه ۳۰ این سوره را به خود منسوب کرده است و ترجمه نموده است: ” (ای رشاد) ما تو را برای این جامعه فرستاده‌ام “. برای هر خواننده‌ای منطقی سؤال پیش می‌آید:

۱- اگر قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش بر محمد نازل شده است چرا به هنگام وحی بر محمد، **رشاد خلیفه** را با ضمیر مخاطب ”تو“ خطاب می‌کنند؟ آهم کسی که در زمان نزول وحی وجود نداشته است.

۲- چطور ممکن است انسان هوشیاری از ترکیب کلمات ”**این جامعه**“ در زمان نزول وحی، به جامعه عصر **رشاد خلیفه** در ۱۴۰۰ سال بعد از نزول این سوره فکر کند؟ مگر هر مسی که الگوهای زبان برای او مفهومی ندارد.

۳- فعل جمله ”**الذی اوحننا الیک**“ در آیه ۳۰ ماضی است و به مطالب نازل شده پیش از زمان نزول سوره ”رعد“ اشاره دارد. چطور ممکن است کسی آنقدر نادان باشد که آنرا به زمان آینده آهم به ۱۴۰۰ سال بعد بگیرد؟ اگرچه **رشاد خلیفه** آنرا به مضارع ترجمه کرده است (در ترجمه انگلیسی نیز فعل ماضی را به حال ساده ترجمه کرده است)

۴- با اینکه در آیه ۳۱ بصراحت معلوم شده است که منظور از وحی نازل شده در آیه ۳۰ همان قرآن است چطور ممکن است يك انسان هوشیار چنین آیه‌ای را بعد از ۱۴۰۰ سال پیش به خود نسبت دهد؟ مگر در عالم مسی قرآن را وحی بر خویش دانسته باشد یا . . .

رشاد خلیفه باز هم خطاب در آیه ۳۸ را به خود نسبت داده است در حالیکه آیه ۳۸ جوابی به آیات قبل آن (آیات ۶-۷ و ۲۷-۳۱) است که در آنها کافران تعجیل عذاب را از پیامبر اسلام خواسته‌اند و بیان کرده‌اند چرا آیه‌ای که مجبور کننده ما به رسالت چنین رسولی باشد همراهش نیست؟ در آیه ۳۸ جواب داده شده است که تمامی پیامبران پیشین نیز بمانند تو انسانهایی بوده‌اند و اگر هم معجزه‌ای آورده‌اند به اجازه الله بوده است و عذاب نهائی این کافران در سرآمد مهلت خویش واقع خواهد شد. آنوقت بنگرید چگونه آیه ۳۸ را بدون در نظر گرفتن ارتباط آیه با آیات قبل این سوره به خود منتسب کرده است.

^۸ با توجه به آیات عنکبوت: ۵۲ و اسراء: ۹۶ احقاف: ۸ نساء: ۴۵ اشاره به کتابی است که ثبت وقایع و اعمال آدمی می‌کند که حقیقت را بدان آشکار خواهند کرد. بعبارتی نمی‌توان کتاب را کتابهای آسمانی و ”من عنده علم الکتاب“ را دانایان یا مؤمنین گرفت چرا که نمی‌توان به کسی گفت که فلانی دانش کتاب نزدش است. بنابراین به منطق نیز این الله است که در اینجا اشاره به این دارد که خداوند کتاب اعمال در نزدش است و بر اساس آن بر اشخاص عمل می‌کند.

فرقان:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا { ۵۶ } قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبِّهِ سَبِيلًا { ۵۷ }
ما تو را (رشاد) بعنوان بشارت دهنده و نیز هشدار دهنده فرستاده‌ام (۵۶) بگو: از شما مزدی بر آن نمی خواهم بلکه مشتاقم تا هر که خواهد راهی بسوی پروردگارش برگزید (۵۷)

ضمیر “ه” در جار و مجرور “علیه” در آیه ۵۷ به هیچ کلمه‌ای در آیه قبلش باز نمی گردد. عبارتی هیچ کلمه‌ای در آیه ۵۶ وجود ندارد که بتوان ضمیر “ه” را در آیه ۵۷ بدان بازگرداند. بلکه این ضمیر به چندین آیه قبل، به کلمه مکرر قرآن در آیاتی چون ۱ و ۴-۶ و ۳۰ و ۳۲ بر می گردد. یعنی در آیه ۵۷ اعلام شده است: “ای پیامبر بگو من بر آن (قرآن) از شما مزدی نمی خواهم و . . .” علاوه بر این نکته، جمله آیه ۵۶ مخاطب است و فعل آن ماضی است و به کسی بر می گردد که در زمان نزول سوره فرقان به او وحی شده است. بنابراین بشارت و انداز را جز به قرآن گرفتن تنها طریق مستان و حيله گران است؟

بخش ۳- رشاد خلیفه معتقد است قرآن از همان آغاز تحریف شده است

این حيله گر از يك طرف مدعي است که فرستاده خداست و همانطور که دیدیم عوام فریبانه از طریق آیات قرآنی سعی در توجیه رسول بودن خویش دارد. از طرف دیگر مدعی است قرآن از همان آغاز تحریف شده است تا بتواند ادعای رسالت خویش را توجیه نماید. داستان او که در سایت <http://www.submission.org/tampering.html> نگاشته شده است بطور خلاصه از این قرار است:

{ ۱۹ سال بعد از مرگ پیامبر اسلام و در زمان خلافت عثمان بن عفان کمیته‌ای از کُتاب وحي تشکیل شد که در راس آنان عثمان و علي و زبیر و سعد بن عاص و غیره وجود داشتند قصد این بود که قرآنی فراهم آورند. وقتی سوره‌ها را در کنار هم گذاشتند رسیدند به سوره "توبه" که آخرین سوره نازل شده پیش از سوره فتح است. آنگاه یکی از کُتاب وحي پیشنهاد کرد دو آیه در بزرگداشت پیامبر اسلام به آخر سوره "توبه" اضافه کنیم و همگی موافقت کردند مگر علي که به شدت مخالفت کرد و گفت این کلام خداست و نباید آنرا دست زد. خلاصه آنرا اضافه کردند. و نتیجه آن این شد که ۱- عثمان کشته شد و علي بجایش خلیفه شد. ۲- ۵۰ سال جنگ میان خلیفه جدید و طرفدارانش از يك طرف با تحریف کنندگان قرآن از طرف دیگر پدید آمد. ۳- علي شهید شد و همچنین فامیلش، یعنی خانواده محمد نبي ۴- مصیبت کربلا رخ داد و حسین پسر علي و فامیلش قتل عام شدند. ۵- مسلمانان از قرآن پاك و لا يتغير برای ۱۴۰۰ سال محروم شدند. }

براستی ممکن است چنین انسانی به خدا و آخرت و کلام قرآن معتقد باشد؟

چگونه چنین کسی به خدائی بودن قرآن معتقد است در حالیکه به وعده مؤلفش در قرآن که آنرا حافظ است و قعی ننهاد؟ به آیه زیر دقت کنید:

حجر : إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ { ۹ }

ما آن پندنامه را نازل کردیم و خودمان آنرا حفظ خواهیم کرد(۹)

چگونه چنین کسی به خدائی بودن قرآن معتقد است در حالیکه به دانش الله در وعده‌اش به **سابقون الاولون من المهاجرین** مشکوک است؟ بله اکثر کسانی که از آنان بعنوان تحریف کنندگان قرآن یاد می کند از زمره پیشی گیرندگان مهاجر بودند که الله در کلامش، قرآن، به آنان بعد از آزمایشات متعدد چون رهائی خانه و کاشانه و مجاهدت در جنگها به اموال و جانشان در راه الله، وعده رستگاری داده است (به آیات زیر دقت کنید). موضوع، بزرگداشت اشخاص نیست بلکه حوار شمردن الله، به اینکه در شناخت یاری دهندگان پیامبرش به خطا رفته است و چنین منافقینی را مؤمن حقیقی تصور کرده است و آنچه را که الله از کلامش در ۲۳ سال رشته بود، آن منافقین فوراً با عملشان پنبه کردند. بله حقیقت این است که چنین کسی ممکن نیست خدائی

بودن قرآن را معتقد باشد و ممکن نیست به خدائی ناظر بر اعمال بشر اعتقادی داشته باشد. (سبحان الله عما یصفون)

انفال : وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ {٧٤}

به قطع آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانشان در راه الله مجاهدت کردند و آنانکه ایشان را پناه دادند (انصار) حقیقتاً مؤمنین اینانند که برای ایشان مغفرت و روزی نیکوئی است (٧٤)

توبه : الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ {٢٠} يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ {٢١} خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ {٢٢} وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ {١٠٠}

آنانکه ایمان آورده و هجرت کردند و در راه الله به اموال و جانشان مجاهده نمودند، در نزد الله بزرگترین درجات را دارند و اینان همان رستگارانند (٢٠) پروردگارشان آنان را به رحمت و خوشنودی و باغهایی از خودش بشارت دهد. برای ایشان در آن نعمتی پایدار است (٢١) برای همیشه در آن ماندگارند. قطعاً اجر بزرگ در نزد الله است (٢٢) و پیشی گیرندگان اولیه از مهاجرین و انصار و آنانکه از ایشان به نیکوئی تبعیت کردند. الله از ایشان راضی است و آنان از او خوشنودند و برای آنان باغهایی به اتماری جاری در آن فراهم نموده است که برای همیشه در آن ماندگارند. رستگاری بزرگ همین است (١٠٠)

نتیجه : مطالبی که تا حال از این فرد ارائه شد نشان می دهد که این فرد به اندازه وزن خردلی به قرآن و خدائی بودن آن اعتقادی ندارد بلکه قرآن را وسیله ای برای مقاصد شیطانی خویش قرار داده است تا از سطحی نگران در جهت مقاصدش بهره نیکو ببرد. از این روی سؤال است : چگونه این شخص این زحمت را بر خود تقبل کرده است تا بوسیله رایانه نشان دهد که میان آیات قرآنی نظمی از اعداد هفتمه است بطوریکه آیاتش و کلماتش مضربی از عدد ۱۹ است؟ جواب واضح است باید در بررسی که در پیش است منتظر باشید که در این خصوص نیز آثاری از شیادی را ملاحظه فرمائید که جز این را نیز انتظار نباید داشت و آنوقت قضاوت خواهید کرد که حتی به اندازه ذره ای، زحمتی را بر خود متقبل نگشته است مگر در حدی که شرایط برای ادعای دروغینش فراهم گردد. در این خصوص احتمال می دهیم که به سراغ رایانه نیز برای چنین تحلیلی نرفته است و تماماً کارهایش خود بافته ای به کمک دستهای پنهان برای حفظ جهل مسلمانان امروزی است تا همچنان بهره ستمکاران از جاهلان مستدام باشد.

بخش ۴ - معجزه ریاضی قرآن یا جهل مردمان ؟

رشاد خلیفه مدعی است که ثابت نموده، شماره سوره‌ها، آیات، تعداد لغات، حروف و کلمات قرآنی و غیره دارای نظم آهنگینی از اعدادند بویژه اینکه این اعداد مضربی از عدد ۱۹ می باشند. جزئیات این مطلب در سایت <http://www.submission.org/math-ap1.html> گفته شده است که ترجمه فارسی آن در سایت <http://www.submission.org/efarsi/quran/apx01.html> می باشد. قبل از بررسی نادرستی این ادعای کذب لازم است که معتقدین حقیقی به قرآن به چند نکته دقت داشته باشند.

انذار و بشارت به قیامت، علت اصلی ارسال کتابهای آسمانی: دانایان به قرآن باید بدانند نباید به دنبال چنین حربه‌هایی برای خدائی بودن قرآن بگردند چرا که بزرگترین ارزش مطالب کتابهای آسمانی اثبات بزرگترین خبر بشری یعنی قیامت است. اثبات چنین حقیقی، صاحبان خرد را به حقایق آینده ثابت قدم می گرداند تا برنامه زندگی خویش را برای کسب نیکوترین نعمات با آن حقیقت تطبیق دهند. اثبات این حقیقت بزرگ ساده نیست و از عهده عالم‌ترین آدمیان نیز خارج است. تحریف کتابهای آسمانی در این خصوص است که صدور کتاب آسمانی جدید را لازم می گرداند و لاغیر. آن کلامی که بتواند از عهده چنین مهمی برآید یعنی بتواند اثبات نماید که مرگ پایان همه چیز برای آدمیان نیست بلکه زمانی از طرف رب العالمین برای آدمیان مقدر شده است که تمامی مردگان به داوری الله به شایستگی تا ابدالآباد زیست می کنند، به ذاته، خدائی بودنش را اثبات می کند و صاحبان خرد را در تطبیق زندگی خویش بر این حقیقت، ملزم می نماید. باید چنین کتابی از منطق بالائی برخوردار باشد تا بتواند خردمندان را بر اثبات چنین حقیقی مجاب نماید. بنابراین مطالبی چون نظم عددی ۱۹ در آیات (که البته خواهیم دید که دروغ بزرگی بیش نیست) و نظایر آن اگر چه هم راست باشد ولی برای هیچ خردمندی دلیلی بر راستی قیامت نتواند بود چرا که به حقیقت آخرتی بی ارتباط است و در ضمن هر زیرکی می تواند با فراهم آوردن سخنی که نظمی از اعداد در آن نهفته باشد بر این مهم نائل آید. علاوه بر این نکته لازم است که معتقدین قرآن چند نکته ساده را در مورد شماره سوره‌ها و آیات قرآنی بدانند

شماره سوره‌های قرآنی به ترتیب نزول نیست : شماره سوره‌های قرآنی که امروز در دست داریم ب همان ترتیبی که در زمان پیامبر اسلام نازل شده، نیست. مثلاً سوره بقره سوره دوم قرآن است در حالیکه سوره‌ای مدنی است و ۹۳ امین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام است و یا سوره‌های آل عمران و نساء در قرآن امروزی به ترتیب سوم و چهارم هستند در حالیکه ۹۶ و ۱۰۰ امین سوره‌ای هستند که نازل شده‌اند. به سخن دیگر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول حقیقی آن مرتب نشده‌اند بلکه از سوره‌های بزرگ به کوچک مرتب گردیده‌اند که البته ثبت ترتیب نزول سوره‌ها، موجب می شود که براحتی هدایتهای قرآنی برای هر تلاش گری قابل فهم باشد. از اینروی تلاشی در جهت اثبات نظمی آهنگین میان شماره سوره‌های فعلی قرآن امری بیهوده و حکایت از جهل تلاش گر از این حقیقت است.

آیات قرآنی بعدها شماره گذاری شده‌اند: نکته دیگر اینکه شماره آیات قرآنی بعدها جهت درک استاندارد آیات میان افراد و نیز جستجوی سریع يك آیه به قرآن اضافه شده است. بطور مثال وقتی گفته می‌شود: سوره هفدهم آیه ۲۳، شنونده فوراً متوجه می‌شود که آیه ”**و قضي ربك الا تعبد . . .**“ منظور است، و گوینده و شنونده در ادامه بحث، منظور واحد را درک می‌کنند. شماره آیات نیز بر اساس نظم آهنگین آنها عدد گذاری شده‌اند و در شماره گذاری گاه حروف مقطعه‌ای را يك آیه مستقل و گاه غیر مستقل در نظر گرفته‌اند، از اینرو در نسخ قرآنی قدیمی شماره آیه‌ای وجود نداشت. بنابراین تلاشی در جهت اثبات نظمی برای شماره آیات سوره‌ها از عدم اطلاع کافی تلاش‌گر از این حقیقت حکایت دارد.

رسولي بي اطلاع : باری رشاد خلیفه از این حقایق یا اطلاعی نداشته است یا می‌دانسته است که تابعینش از آن بی‌اطلاعند. علاوه بر مطالب فوق اطلاعات این رسول جدید بر بعضی مطالب روشن قرآنی کم بوده است. بعنوان مثال ایشان گمان می‌کرده، سوره فتح (۱۱۰ امین سوره قرآن) آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده است، یا سوره توبه را قبل از سوره فتح دانسته است^۹. دانش او بجای اتکا به الهامات آسمانی به روایت‌هایی در این زمینه متکی بوده است که او را به اشتباه انداخته است در حالیکه يك مطلع قرآنی می‌داند که سوره فتح بعد از صلح حدیبیه در سال ششم هجری نازل شده است، و سوره توبه از متن آن کاملاً مشخص است که به هنگام اجرای مراسم اولین حج اکبر مسلمانان در اواخر سال هشتم هجری و قبل از جنگ تبوک نازل شده است و بدین روی بعد از سوره فتح نازل شده است و آخرین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام نیز سوره مائده بوده است^{۱۰}. چگونه پروردگار چنین رسولي از حقایق قرآنی که خود نازل کرده است بی‌خبر بوده است؟ شاید که اربابش نه آسمانی بلکه زمینی است؟ چگونه رسولي برای فهم آنچه گفته شد به روایات متکی بوده در حالیکه خود آنرا مردود می‌شناسد^{۱۱}؟

بررسی مدعای رشاد خلیفه بر معجزه ریاضی:

رشاد خلیفه به انواع حیل‌های مختلف سعی کرده است ثابت نماید شماره آیات یا سوره‌ها و کلمات قرآنی و نظایر آن مضربی از عدد ۱۹ است.

^۹ <http://www.submission.org/tampering.html>

^{۱۰} این احتمال هم وجود دارد که نویسنده وب سایت <http://www.submission.org/tampering.html> شماره سوره ۱۱۰ را (سوره فتح) بجای ۱۱۲ (سوره نصر) اشتباه تایپ کرده باشد چرا که در توضیحات متن آنرا سوره‌ای کوچک خطاب کرده است. یعنی منظور نویسنده نه سوره ”فتح“، بلکه ”نصر“ بوده است. در آنصورت در استدلال فوق باز هم فرقی نمی‌کند چرا که سوره ”نصر“ نیز مدت زمان اندکی پیش از فتح مکه در اوایل سال هشتم هجری نازل شده است و باز هم آخرین سوره قرآن نیست و سوره توبه بعد از آن نازل شده است.

^{۱۱} <http://www.submission.org/hadith>

سوء استفاده از عدم توانایی تحقیق برای همگان در انتخاب اعدادی بزرگ:

رشاد خلیفه بسیاری از کلمات و حروف را که شمارش عددی آن در قرآن بسیار بزرگ و با دست بسیار وقت گیر است را وسیله‌ای برای سوء استفاده قرار داده است بعنوان مثال شمارش کلمه "الله" یا جمع کل آیات قرآنی و یا تعداد حروفی خاص در یک یا چند سوره از قرآن بعلمت کثرت آنها، با دست کار ساده‌ای نیست. البته کسانی که امروزه رایانه در اختیار دارند به روشی ساده که در زیر توضیح داده شده، می‌توانند درستی سخنان او را تحقیق نمایند:

• روش تحقیق و جستجو برای صحت موضوع : امروزه نرم افزارهای متعدد قرآنی برای

جستجوی کلمات موجود است که شما را برای بدست آوردن دقیق اعداد فوق کمک می‌کند. بعنوان نمونه می‌توان به نرم افزار "معجم الفاظ قرآن مجید" اشاره کرد. در این نرم افزارها علاوه بر جستجوی کلمه مربوطه، تعداد نمونه‌های جستجو را نیز یاد می‌کنند. البته این نرم افزارها برای جستجوی حروف ساخته نشده‌اند. برای جستجوی حروف قرآنی مثلاً تعداد حرف "ن" در سوره قلم (که البته بررسی خواهد شد)، می‌توانید از انواع Word Processor ها استفاده نمائید مانند Microsoft Word. بطور مثال اگر سوره قلم را در این نرم افزار باز نمائید می‌توانید حرف "ن" را با استفاده از امکانات Find یا Replace براحتی جستجو کنید. بطور مثال حرف "ن" را در پنجره Replace نوشته و آنگاه کلید "Replace all" را انتخاب کنید که در آنصورت تعداد این حروف، در سوره قلم نشان داده خواهد شد. با همین روش، شماره تمامی حروف مقطعه در هر سوره مربوطه اش بررسی شد و معلوم گردید اکثر شمارش‌های **رشاد خلیفه** در مورد حروف و کلمات، دروغی بیش نبوده است در حالیکه برای ادعای کذب این شیاد یک مورد آن هم کفایت می‌کرد.

به نمونه‌های سوء استفاده این شخص در زیر دقت فرمائید.

• **یک مثال:** **رشاد خلیفه** اعلام کرده است نام "الله" در کل قرآن ۲۶۹۸ بار، برابر با ۱۹×۱۴۲ تکرار شده است. شمارش چنین کلماتی در کل قرآن از حوصله اکثریت مردم خارج است از اینرو هیچ دلیلی نمی‌بینند که گفتار گوینده را غلط پندارند. اما حقیقت این است که شمارش تعداد کلمه "الله" با در نظر داشتن تمامی ترکیبات اضافه (مانند بالله و لله و غیره) در کل قرآن برابر با ۲۸۱۱ عدد است و اگر در این شمارش جملات "بسم الله الرحمن الرحيم" در اول سوره‌ها (به غیر از سوره حمد که جزئی از سوره است) در نظر گرفته نشود، در آنصورت برابر با ۲۶۹۹ عدد می‌گردد. که هیچیک از دو عدد مضربی از ۱۹ نیست. عدد ۲۶۹۹ یک واحد با عدد **رشاد خلیفه** که مضربی از عدد ۱۹ است تفاوت دارد. از اینرو آیة آخر سوره توبه را که نام الله در آن یاد شده را تحریف شده اعلام می‌کند تا به منظور خویش دست یابد.

• **مثال دیگر:** **رشاد خلیفه** اعلام کرده است تعداد کل آیات قرآنی ۶۳۴۶، برابر با ۱۹×۳۳۴ عدد آیات است که شمارش این نیز از حوصله اکثریت مردم خارج است. در حالیکه جمع کل آیات قرآنی ۶۲۳۶

عدد است. اگر "بسم الله الرحمن الرحيم" بر سر سوره‌ها را هم در نظر بگیریم آنوقت شمارش برابر با **۶۳۴۸** عدد می‌گردد. رشاد خلیفه اعلام نموده است دو آیه آخر سوره توبه به قرآن اضافه شده است تا بدینوسیله شمارش او جور باشد. دقت کنید در شمارش کلمه "الله" در مثال قبل، جملات "بسم الله الرحمن الرحيم" را در نظر نگرفته بود، اما در این مثال آنرا در نظر می‌گیرد تا به عدد مورد نظرش نزدیکتر شود، سپس دو آیه آخر سوره توبه را هم حذف می‌کند تا به عدد مورد نظرش برسد. این نکته، سواي آن حقیقت است که شماره گذاري آیات قرآني بعدها مقرر شد و **رشاد خلیفه** از این موضوع بی‌خبر است یا خود را به بی‌خبري زده است چون می‌داند اکثریت مردم از این حقیقت بی‌خبرند.

در مورد حروف مقطعه :

رشاد خلیفه اعلام کرده است حروف مقطعه قرآنی که بر سر **۲۹** سوره از سوره‌های قرآنی آمده است در سوره‌ها به شماره مشخصی از مضرب عدد **۱۹** آمده است. جالب است که الگوی واحدی را در این خصوص ارائه نکرده است. بطور مثال حرف مقطعه "ق" تنها در سوره "ق" آمده است و او در شمارش این حرف تنها سوره "ق" را مد نظر قرار نداده بلکه مجموع تعداد شمارش این حرف در این سوره و سوره شوری را که حرف مقطعه آن "حم عسق" است به حساب آورده است. اما وقتی حروف مقطعه "یس" را بررسی می‌کند تنها سوره "یس" را مد نظر قرار می‌دهد و از سوره‌های شعراء، نمل، قصص و شوری که در آنها نیز حرف "س" جزئی از حروف مقطعه آن است صرف نظر می‌کند. وقتی حروف مقطعه "طه" را در سوره "طه" شمارش می‌کند باز هم چون به عددی از مضرب **۱۹** نمی‌رسد سوره مریم را که حروف مقطعه آن "کهیعص" است را تنها حرف "ه" آنرا بحاسب می‌آورد و چون باز هم به عدد دلخواهش نمی‌رسد سوره‌های شعراء و نمل و قصص که حروف مقطعه آنان "طسم" و "طس" است را به حساب می‌آورد و در مجموع این شمارش حروف "س" و "م" آنها را در جمع شمارش وارد می‌کند بدون اینکه این حروف را در سوره‌های دیگر بحساب آورد. خلاصه اینکه سعی کرده هر جوری شده عددی جور کند که مضرب **۱۹** است. جالب است که در شمارش بعضی از این حروف نیز در سوره‌ها به عمد یا به سهو به خطا رفته است و باعث شده است که نهایتاً حتی حیل‌های فوق نیز دچار اشتباه گردد.

- **در مورد حرف مقطعه "ق" گفته است:** حرف مقطعه "ق" در سوره "ق" به تعداد **۵۷** و در سوره "شوری" نیز **۵۷** بار آمده است و جمعاً **۱۱۴** بار در این دو سوره آمده است که برابر با **۱۹×۶** می‌گردد. حال خواهیم دید همین الگو را در مورد سوره‌های دیگر رعایت نمی‌کند.
- **در مورد حرف مقطعه "ن" در سوره قلم اعلام نموده است** که تعداد آن برابر **۱۳۳** است که مضرب **۱۹** از عدد **۱۹** برابر با **۱۹×۷** است. در حالیکه عدد درست آن **۱۳۲** با در نظر گرفتن حتی "بسم الله الرحمن الرحيم" اول سوره است.
- **در مورد حرف مقطعه "ص" گفته است:** در سوره‌های "اعراف" و "مریم" و "ص" تعداد این حرف به ترتیب **۹۷** و **۲۶** و **۲۹** است که مجموع آنها **۱۵۲**، برابر با **۱۹×۸** می‌گردد. در حالیکه

رقم درست آن در سوره اعراف برابر ۸۸ است که در نتیجه مجموع شمارش آنها ۱۴۳ می گردد. تا اینجا صرف نظر از نادرستی شمارش (بنظر می آید با دست شمارش کرده است !!) الگویی واحدی را رعایت نکرده است.

- **در مورد حروف مقطعه "یس"** ، الگویی شمارش را تغییر می دهد یعنی بجای در نظر گرفتن "ی" در تمام سوره‌ها¹² و جمع آن با یکدیگر و بمانند آن در مورد "س"¹³ ، تنها این حروف را در سوره "یس" در نظر گرفته است و با هم جمع نموده است. او گفته است: حرف "ی" ، ۲۳۷ مرتبه و حرف "س" ۲۸ مرتبه و مجموعاً به تعداد ۲۸۵ ، برابر با ۱۹×۱۵ در سوره "یس" آمده است. جالب است که در شمارش این حروف نیز به عمد یا به سهو خطا کرده است. تعداد حرف "ی" با در نظر گرفتن "ی" حتی در کلماتی چون "إلی ، علی" و با در نظر گرفتن "بسم الله الرحمن الرحیم" در اول سوره برابر با ۲۳۶ است که در نتیجه مجموع حروف ۲۸۴ می گردد.
- **در مورد حرف مقطعه "طه"** باز هم الگو را عوض کرده است. حرف مقطعه "طه" در سوره‌ای به همین نام است. **رشاد خلیفه** تعداد "ط" در این سوره و هر سوره‌ای که حرف مقطعه "ط" جزئی از آن است را در نظر گرفته (مانند شعراء و نمل و قصص) در مورد "ه" هم همینطور رفتار کرده (سوره مریم). بعد از این عمل، چون مجموع تعداد این حروف در تمامی سوره‌ها باز هم مضربی از ۱۹ نشده آمده شماره حروفهای مقطعه دیگر سوره‌های شعراء و نمل و قصص را هم به این مجموعه اضافه کرده است درحالیکه بقیه حروف مقطعه سوره مریم را در نظر نگرفته است. خلاصه به هر ترتیبی شده است سعی کرده مضرب ۱۹ را جور نماید. و جدولی بصورت زیر فراهم آورده است:

سوره	هـ	ط	س	م
مریم	۱۷۵			
طه	۲۵۱	۲۸		
شعراء		۳۳	۹۴	۴۸۴
نمل		۲۷	۹۴	
قصص		۱۹	۱۰۲	۴۶۰
جمع کل هر ستون:	۴۲۶	۱۰۷	۲۹۰	۹۴۴
جمع نهائی :	۱۹×۹۳ = ۱۷۶۷			

¹² مثل سوره مریم (کعیصص)

¹³ سوره‌هایی مانند قصص و شوری و شعراء که حرف "س" جزئی از حروف مقطعه آن است در این خصوص بحساب نیامده است.

با تمامی این وجود، شمارش حرف "هـ" در سوره‌های مریم و طه، اشتباه است که صحیح آن به ترتیب: ۱۴۹ و ۲۱۵ است، که در آنصورت جمع کل برابر می‌شود با ۱۷۰۵ که مضربی از ۱۹ نیست. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که اعداد اعلام شده با اعداد واقعی تفاوت فاحشی دارد! علت این است که **رشاد خلیفه** حیل‌های زده است، بطوریکه در شمارش "هـ" در سوره‌های فوق، حرف "هـ" را نیز جزو شمارش "هـ" بحساب آورده است در حالیکه حرف "هـ" در قواعد، حرف "ت" بحساب می‌آید که به رسم الخط آنرا بصورت "هـ" می‌نویسند، بمانند حرف تأنیث در مثال "قائمة". با تمامی احوال اگر هم حرف "هـ" را نیز به همراه حرف "هـ" به شماره آوریم باز هم شماره کل آن در سوره مریم ۱۷۶ عدد خواهد بود که با عدد ۱۷۵ مغایرت دارد.

خلاصه کلام: در مورد کاری که **رشاد خلیفه** در مورد حروف مقطعه ارائه داده است باید گفت که دائماً هر موردی الگویی خود را عوض کرده است و جالب است که در نهایت باز هم مرتکب اشتباه شده است در مورد حروف مقطعه "الم" یا "الر" در سوره‌های دیگر نیز تعداد شمارش او اشتباه است. علاقه‌مندان می‌توانند با همان روشی که سهل و ساده است، براحتی حیل‌گری **رشاد خلیفه** را مشاهده نمایند.

سوء استفاده از جهل مردم در مورد رسم الخطهای مختلف عربی:

- کلاً روش این شخص استفاده از جهل مردم نسبت به بعضی از حقایق است مثلاً در مورد "بسم الله الرحمن الرحيم" یاد کرده است که این جمله از ۱۹ حرف تشکیل شده است در حالیکه هر خواننده‌ای براحتی از رسم الخط فوق می‌فهمد که از ۲۰ حرف تشکیل شده است. البته اگر از رسم الخط دیگری استفاده کنیم که "الف" در میانه کلمه را بصورت "الف" مقصوره بنویسد در آنصورت بنظر می‌آید که از ۱۹ حرف تشکیل شده است، بدین صورت: "بسم الله الرحمن الرحيم".

سوء استفاده از جهل مردم در مورد عدم اطلاع از ترتیب نزول سوره‌ها:

- در جای دیگر گفته است: از غیبت "بسم الله الرحمن الرحيم" در سوره توبه (سوره ۹) تا "بسم الله . . ." اضافی در سوره نمل (سوره ۲۷) دقیقاً ۱۹ سوره است. جالب است که در تفاضل میان این دو سوره اول و آخر را جزو محاسبه آورده است. در هر صورت **رشاد خلیفه** از جهل مردم نسبت به حقیقت ترتیب نزول سوره‌ها بهره برده است. بطوریکه سوره نمل سوره‌ای مکی است و ۵۱ امین سوره نازل شده است و سوره توبه سوره‌ای مدنی است و ۱۱۳ امین سوره نازل شده می‌باشد که تفاوت آنها نه ۱۹ بلکه ۶۲ می‌باشد.
- در ادامه آورده است که مجموع شماره سوره‌ها از سوره ۹ تا سوره ۲۷ برابر $342 (18 \times 19)$ می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد: اگر شماره حقیقی ترتیب نزول سوره‌ها قرار داده شود جوابی

متفاوت خواهد بود در هر حال هر انسانِ بادقتی متوجه می شود که برخی از این سوره ها مدنی و برخی مکی هستند. براساسی رسولي آسماني و اينقدر بي اطلاع از حقايق قرآني؟

- ادامه می دهد که سوره علق اولین سوره نازل شده دارای ۱۹ آیه است. ۱- در اینجا ”بسم الله . . .“ را به حساب نیاورده در حالیکه در هر جایی که منظورش را برآورده می کند آنرا بحساب آورده است. ۲- نویسنده بی خبر بوده است که تنها ۵ آیه اول سوره علق در ابتدا نازل شده است و ۱۴ آیه بعد آن، بعد از نزول سوره ”الحمد“ نازل شده است¹⁴. ۳- همانطور که گفته شد آیات سوره ها بعدها شماره گذاری شده اند و از اینرو بازي با شماره سوره ها براي اثبات چنین چیزی کاری ابلهانه است. ۴- واضح است که چون قرآن ۱۱۴ سوره دارد به طبع پیدا خواهند شد سوره هایی که تعداد آیات آنان مضرب از اعداد مختلف باشند. بهتر نبود بجای تک سوره انتخاب شده که ۱۹ آیه دارد، سوره های ممتحنه، غاشیه، قلم، ابراهیم، حاقه، حج، رحمان، صافات و بقره و . . . که همگی مضرب از عدد ۱۳ هستند را انتخاب می کرد و معجزه قرآنی و ادعای رسالت خویش را بر اساس عدد ۱۳ بنا می کرد.
- آورده است که اولین آیات وحی شده (منظورش پنج آیه اول سوره علق است) دارای ۱۹ کلمه است. اگر حروف را از آیات حذف کنید (که در صرف عربی مشمول تعریف کلمه می شوند مانند: حروف اضافه و ربط و نفی) در آنصورت ۱۸ کلمه می شود، اگر اینها را نیز بیفزائید شامل ۲۰ کلمه و اگر حروف اضافه متصل و ضمائر متصل را به شماره آورید، بیش از این نیز خواهد. براساسی که شیطنت تا کجا؟!
- سوره علق را دارای ۳۰۴ (۱۹×۱۶) حرف عربی می داند که دارای ۳۰۷ حرف است.

سخن آخر: گمان می کنم تا این حد برای روشن شدن موضوع کفایت کند. باید دانست این مشتی از خروار بود، چرا که این **شهادت** در ترجمه قرآنش به زبان انگلیسی علاوه بر آیاتی که بطور مستقیم نام خویش را بعنوان رسول در ترجمه آورده است، در اکثر آیاتی که به پیامبر، رسول خطاب شده است در زیرنویسها آورده است که معجزه عدد ۱۹ نشان می دهد که منظور در اینجا **رشاد خلیفه** است. یا اباطیل بر یافته های این مرد در مورد اعداد فراوان است که بررسی کذب آنرا به خوانندگان واگذار می کنم. قطعاً اولین باری نیست که اینگونه ادعاها مطرح می شود و آخرین آن هم نخواهد بود. البته من رسالت **رشاد خلیفه** را قبول دارم نه بعنوان رسول رب السماوات بلکه رسولي از ارباب زمینی اش که معجزه خویش یعنی عدد ۱۹ را به رسول دیگرش ”محمد علی باب“ قبلاً معرفی کرده بود. دقیقاً ”محمد علی باب“ نیز آیاتی از قرآن را به خود

¹⁴ این سوره و سوره مزمل و مدثر در این خصوص که تمامی آیات پشت سر هم نازل نشده اند مستثنی می باشند.

منسوب کرده بود، و به تغییر و تبدیل زمان و شرایط بر اساس عدد ۱۹ حکم داده بود. منتهی در آن زمان رایانه‌ای نبود تا مزخرفات خود را بدان منسوب کند. مثلاً گفته بود.

سوره الرحمن: الرَّحْمَانُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

ترجمه: آن رحمان (۱) تعلیم قرآن داد (۲) و آن انسان (محمد علی باب) را آفرید (۳) و به او بیان داد (۴)

و نام کتاب خویش را هم “بیان” گذاشت تا آیه فوق را در نزد جاهلان به خود منسوب کند، و سال را به ۱۹ ماه و ماه را به ۱۹ روز و روزه را نیز به ۱۹ یوم تقسیم بندی کرد منتهی دیگر راهی برای ارجاع آن به رایانه نداشت.

السلام علی من اتبع الهدی

عبدالله غریبه

۱۳۸۳/۱۲/۱۵